

کتاب دیگران

نقد ادبی و داستان‌نویسی ایران در گفت‌وگو با حسین آنوش پروز

اگر نویسنده حرفی نداشته باشد، گم می‌شود

حسین آتش پروز منتقد ادبی و یکی از نویسندگان نوگرای معاصر است که آثار داستانی‌اش ویژگی‌های منحصر به فردی دارند؛ از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به کاربست خلاقانه مؤلفه‌های بومی زادگاهش در مجموعه داستان‌های «ماهی در باد» و «اندوه» و رمان «خیابان بهار آبی بود» اشاره کرد. او، همچنین، در کتاب «داستان‌های نوشتا» گزینشی از موجودی داستان کوتاه ایرانی در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۱ با تجربه‌های متفاوت و متنوع در زمان و مکان و موقعیت‌های مختلف و از چند نسل ادبی داشته است.

آتش پروز که در کنار داستان‌نویسی به پژوهش و نقد ادبی هم می‌پردازد، دو کتاب جدید را در حوزه نقد و پژوهش در دست انتشار دارد. در ادامه، بخشی از گفت‌وگوی «ایبنا» را با این داستان‌نویس و منتقد درباره وضعیت امروز داستان‌نویسی و نقد ادبی در ایران می‌خوانید.

● گویا دو کتاب جدید در حوزه نقد و پژوهش ادبی تألیف کرده‌اید. لطفاً، درباره آن‌ها توضیح دهید.

بله، دو کتاب که هر دو در حوزه پژوهش و نقد هستند در دست انتشار دارم. یکی نقد شعر و دیگر نقد داستان؛ البته هر دو این‌ها کار امروز نیستند و به مرور زمان به این صورت درآمده‌اند. کتاب اول «برسد به دست صادق هدایت» و با عنوان فرعی «شعر چگونه به داستان نزدیک می‌شود؟» است. در این کتاب، از دید یک داستان‌نویس و با نگاهی داستانی، با توجه به مهندسی معکوس، به آنالیز اشعار شاعران مختلف و چگونگی نزدیک شدن آن‌ها به شکل و ساخت داستانی پرداخته‌ام. مطالب این کتاب در طی سال‌ها، با مطالعه و بررسی شعرهایی که توجه من را جلب کرده‌اند یا از من خواسته شده درباره آن‌ها مطلبی بنویسم، فراهم شده است. شعر و داستان دو گونه ادبی هستند که بخش مهمی از هویت فرهنگی ما را می‌سازند. سابقه ادبی ما در شعر است و وظیفه قصه و روایت را در گذشته شعر کلاسیک می‌شود دید و شاعران ما این مهم را به عهده داشتند. داستان به صورت جدید بعد از مشروطه، تحت تأثیر مدرنیسم، از اروپا و غرب گرفته شده و عمر صدساله دارد؛ اما، در همین عمر کوتاه، شعر و داستان در کنار هم گام زده و می‌زنند و هر کدام از سازه‌های دیگری استفاده کرده‌اند. به عنوان نمونه، از شعرهایی که در این کتاب آمده «موش و گربه» عبید زاکانی است که شکل و ساخت منسجمی دارد و از بسیاری سازه‌های داستانی استفاده کرده است. برای کتاب دوم هنوز نامی انتخاب نشده، ولی عنوان فرعی آن «نویسندگان جدید ایران» است. در این کتاب، داستان‌های کوتاهی را نقد کرده‌ام که در طی سال‌ها به دلیل نوآوری‌ای که داشته‌اند توجه من را جلب کرده‌اند و اکثر نویسندگانشان جوان‌های ناشناخته یا کمترشناخته شده‌اند.

● به نظر شما، وضعیت ادبیات داستانی امروز، به ویژه آثار نوفلمان، چگونه است؟ آیا نسبت به دهه‌های گذشته بهبود پیدا کرده یا دچار ضعف شده است؟

این مورد به عوامل زیادی بستگی دارد و باید از زوایای گوناگون به آن نگاه کرد. داستان‌هرو نویسنده صدای اوست و این صدا باید فرکانس فردیت خودش را داشته باشد که در میان دیگر صداها و حتی تاریخ گم نشود. یکی از مواردی که باید در این نسل آسیب‌شناسی کرد؛ چاپ آسان کتاب، و فضای مجازی است که همه را سوسه می‌کند. باید در انتشار اثر هوشیار بود، چرا که اگر نویسنده حرفی برای گفتن نداشته باشد، صدایش در میان دیگر صداها گم خواهد شد. امروزه، ما بزرگ‌ترین قیرستان داستان را داریم؛ ممکن است این دیدگاه بدبینانه باشد، اما نمی‌شود به آن اشاره نکرد. هر چند در میان نوفلمان بیشتر است، اما نویسنده قدیم و جدید نمی‌شناسد؛ زیاد دیده‌ایم نویسنده‌ای خودش را به هزار در می‌زند که دیده شود. ۴۰ یا ۶۰ کتاب منتشر کرده و بین ما زندگی می‌کند، اما مرده است و دیده نمی‌شود. این نتیجه آسان بودن چاپ است. فردوسی و حافظ در تمام زندگی هر کدام یک کتاب نوشته‌اند و بعد از قرن‌ها هنوز زنده‌اند. نسل جدید در شاهراه جهانی اینترنت جهانی زندگی می‌کند و تجربه‌های خاص خودش را دارد. با تمام این‌ها، خوشحالم که نسل جدید پوست اندازی می‌کند. جهان نگاه و زبان خودش را دارد. بی‌ظیریم یا نه، جوانان امروز با نسل ما قدیمی‌ترها کاملاً متفاوت‌اند و می‌بینیم داستان‌هایشان نیز از زبان کلاسیک و انشاگونه در محتوا و شکل فاصله گرفته است.

● آیا نقد ادبی توانسته بر کیفیت تولید ادبی در حوزه داستان تأثیر بگذارد؟

منتقد، اگر خلاق باشد، بی‌شک، در هدایت و تربیت نویسنده مؤثر است؛ حال ممکن است نقد مکتوب یا شفاهی باشد. از همین رو، تأثیر جلسات نقد رضا برهانی و هوشنگ گلشیری را در تربیت نویسندگان نمی‌توان نادیده گرفت. البته مسئله‌ای نیز در اینجا پیش می‌آید که باید به آن توجه شود. منتقد، وقتی اثری را نقد می‌کند، مطابق دیدگاه و تفکر خودش به آن اثر نگاه می‌کند و در اصل غیرمنصفانه به نویسنده تکلیف می‌کند؛ مثل من باش! و احتمال نادیده گرفتن خلاقیت نویسنده در آن هست. مگر اینکه منتقد کاشف و خلاق باشد و ببیزد که هر کس باید مثل خودش بنویسد. نه به سلیقه دیگری. البته منتقدینی هم هستند که نور به اثر می‌تابانند و دست خواننده را می‌گیرند.

● وضعیت نقد ادبی امروز ایران را در قیاس با گذشته چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا جریان‌های تأثیرگذاری در نقد ادبی امروز داریم؟

نقد هم، جدا از بُعد خلاق و هنری آن، ایستا نیست و مثل دیگر علوم رشد می‌کند و اگر تنوع و رشد عمومی در داستان‌نویسی می‌بینیم، نتیجه همین نقد هاست. از جریان‌های قوی اثرگذار هم کلاس‌های امثال برهانی و گلشیری را باید نام برد که به ارتقای داستان‌نویسی کمک کرده‌اند.

شهریار

۴شنبه
۱۳۱ دیماه ۱۴۰۴
شماره ۴۴۵

10

فرهنگ و ادبیات



علی باقریان

پدو گفت پَر دَخته^{۱۱} کن سر ز باد^{۱۲}

که جز مرگ را کس ز مادر نژاد

جهان دار^{۱۳} پیش از تو بسیار بود

که تَخَتِ مهی^{۱۴} را سزاوار بود

فراوان غم و شادمانی شمر د^{۱۵}

برفت و جهان دیگری را سپرد

اگر باره^{۱۶} آهیننی به پای^{۱۷}

سپهرت بسپاید^{۱۸} نمائی به جای

کسی را نژود زین سپس تخت تو

به خاک اندر آرد سر یخت تو^{۱۹}

۱- پَر دَخته: کوتاه‌شده «پرداخته»، تهی، خالی.

۲- پَر دَخته کن سر ز باد: سر از باد تهی کن، خودبینی و خودخواهی را کنار بگذار.

۳- جهان دار: فرمانروا، پادشاه.

۴- مهی: سروری، شاهی.

۵- شمر د: دید، دریافت، درک کرد.

۶- باره: حصار، دژ.

۷- به پای: از نظر پایداری.

۸- بسپاید: بفرساید، از بین ببرد.

۹- تو را از اوج به زیر خواهد کشید.

گزارشی از تأثیر قطعی برق بر وضعیت چاپخانه‌ها و صنعت نشر کتاب مشهد

نمایشگاه تمام شد، کتاب‌ها چاپ نشد



عکس: سعید گل‌شیراز

بار وصل شدن به قسمت مدیریت مصرف اداره برق ۶۷ بار رنگ زده‌ام. روزی بوده که چهار ساعت پای تلفن نشسته‌ام که توانسته‌ام ارتباط بگیرم تا بپرسم برق ما که قطع است در برنامه شبکه خانگی است یا صنعتی و مشکل کجاست. متأسفانه، تلفن را هم که برمی‌دارند جواب درستی نمی‌دهند. به راحتی، سه ساعت باید تلفن دست باشد تا بتوانی ارتباط برقرار کنی. تلفن را هم که برمی‌دارند، می‌گویند دور شرکت برق را خط بکشید و بروید سراغ زنراتور و فکر کنید برق نیست. اگر به اتفاقات برق رنگ بزنید، آدم‌های با شخصیت و باادبی هستند و جواب‌گو هستند، اما پاسخ‌گویی در بخش مدیریت مصرف خیلی بد است و اذیت می‌کنند. حالا شما فقط می‌خواهید ببینید برقتان تا کی قطع است. حتی نامه هم بریم، اما جواب ندادند و گفتند: «بروید خودتان برقتان را با زنراتور یا هر طور که می‌توانید تأمین کنید.» ضربه‌ای که به ما وارد می‌شود این قدر سنگین است که بعضی کارگاه‌ها به سمت تعطیلی می‌روند. کسی که اجاره می‌دهد و کارگر دارد، وقتی برقش چندین بار در طول هفته قطع می‌شود، دیگر چطور می‌تواند اجاره و حقوق کارگر پرداخت کند؟ ما ۶ کارگر داریم. هر روز قطعی برق به راحتی بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون تومان به ما ضرر می‌زند. اگر خسارتی هم در اثر قطعی برق به ما وارد شود، کسی جواب نمی‌دهد. سال گذشته، بالغ بر یک میلیارد تومان خسارت خوردیم که هنوز نتوانسته‌ایم مانیتورهای دستگاه‌هایی که سوخته‌اند تهیه کنیم و دو دستگاه ما همین طور مانده است.

جواد خیری، مدیر چاپخانه «دقت»:

بعضی کارگاه‌ها به سمت تعطیلی می‌روند ما به طور کامل درگیریم. دوروز در فیدرو برنامه صنعتی هستیم و سه روز هم در برنامه قطع برق خانگی؛ یعنی دو روز از ۷ صبح تا ۱۲ شب بر قما قطع است و سه روز هم دو تا سه ساعت قطع است. این ما چرا خط تولید ما را کامل از کار انداخته است. ما به خاطر یک سری کارها مجبور شده‌ایم کارگاه‌هایمان را شب‌کار کنیم که مقداری کار را پیش ببریم. از طرفی، قطع و نوسان برق سال گذشته ۳-۴ تا از مانیتورها و قسمتی از برد دستگاه چاپمان را سوزاند. همچنین، چون دستگاه‌هایمان المنتی است، وقتی برق می‌رود، تا زمانی که دوباره وصل شود، ۲-۳ ساعت طول می‌کشد تا دوباره گرم شوند. یک روزهایی نشریه داریم و برای چاپ زمان مشخص و محدودی داریم؛ وقتی با اداره برق تماس می‌گیریم و می‌گوییم برق ما رایک روز دیگر قطع کنید، به هیچ عنوان تلفن جواب نمی‌دهند. حتی برای نمایشگاه کتاب رنگ زدیم و گفتیم ما در یحث چاپ کتاب در شرق کشور چاپخانه بزرگی هستیم و، اگر می‌شود، امکانی بگذارید که قطع برق ما یک روز عقب بیفتد تا کتاب‌هایمان به نمایشگاه کتاب برسد. جواب سریال‌دادند و گفتند: «اصلاً برایمان مهم نیست که چاپ کتاب باشد یا چیز دیگری.» ما هنوز کتاب داریم که مال نمایشگاه کتاب است. نمایشگاه تمام شد، ولی هنوز کتاب‌ها دست ماست. از یک یادو ناشر هم نیست؛ شاید کارهای ۱۰ ناشر باشد. بعضی از این‌ها کتاب‌های چاپ اول است.

من عکس از صفحه گوشی‌ام گرفته‌ام که برای یک

دفعه ۴-۵ میلیون تومان از ما می‌گیرد؛ و الان هفته‌ای یک بار را می‌آید. هیچ کدام از این خسارت‌ها را هم هیچ کجا برعهده نمی‌گیرند و جواب‌گو نیست و هزینه فقط بر دوش صاحبکار است.

مصطفی نیکزاد، مدیر چاپخانه «البرز»:

می‌گویند همین است که هست

در چاپخانه‌ها، کارها تخصصی و دستگاه‌ها همه سنگین است و وابستگی شدیدی به برق هست. برق، بعضی وقت‌ها، نامشخص قطع می‌شود، و در این مواقع، بعضی وقت‌ها که دستگاه با سرعت بالا در حال کار است، قطعی ناگهانی برق سبب آسیب دیدن دستگاه‌ها می‌شود. از طرف دیگر، وقتی برق قطع می‌شود، کارگر بیکار می‌ماند و کارها عقب می‌افتد. الان هم هزینه‌هایمان بالا رفته و هم درآمد‌هایمان به شدت کم شده است. هر جا هم که رنگ می‌زنیم، کسی جواب‌گو نیست و می‌گویند همین است که هست. علاوه بر دستگاه‌ها که آسیب می‌بیند، ضررهای دیگری هم می‌بینیم؛ مثلاً، وقتی دستگاه با سرعت ۷ هزار دور در حال کار است و برق می‌رود، تعدادی کاغذ آسیب می‌بیند و کاغذ باطله می‌شود، که هم خسارت به ما می‌خورد و هم به مشتری. ما حدود ۱۵ نیرو داریم که طبقه‌ای وقتی برق قطع می‌شود بیکار می‌شوند.

قطعی برق خیلی دارد به صنعت آسیب می‌زند. ما کتاب هم چاپ می‌کنیم و قطعی برق سبب تأخیر در تحویل سفارش‌ها هم شده است و نمی‌دانم که این تأخیر چه خسارت یا تأثیری بر ناشر دارد.

قطعی برق، که دارد به روال و امری عادی و روزمره تبدیل می‌شود، توان صنعت چاپ به عنوان یکی از بازوهای اصلی صنعت نشر را نیز گرفته است. علاوه بر خسارت‌های سنگین، اعم از آسیب رساندن به دستگاه‌ها و پررتی کاغذ و رنگ، قطعی برق سبب می‌شود کار چاپ به تأخیر بیفتد و سکنه‌ای در چرخه نشر ایجاد شود. از سوی دیگر، تحمیل شدن هزینه بر چاپخانه‌دار می‌تواند سبب افزایش بهای چاپ و در نتیجه کتاب هم بشود. برای اینکه مقداری با وضعیت دست‌اندرکاران این حوزه آشنا بشویم، خیلی کوتاه با سه مدیر چاپخانه و یک افسندگی با سابقه گفت‌وگو کرده‌ایم. آن‌ها می‌گویند دستشان به جایی بند نیست، کسی جوابی به آن‌ها نمی‌دهد و تمام خسارت و هزینه ناشی از قطعی و نوسان برق و افت تولید و درآمد فقط به عهده خود چاپخانه‌دار است.

محمود مافی نژاد، مدیر چاپخانه «مافی»:

طی دو مرحله، ۱۰۰ میلیون تومان خسارت دیده‌ایم بُرد دستگاه‌ها ما حالا دوبار سوخته و حدود ۱۰۰ میلیون تومان خسارت به ما زده است. از طرف دیگر، از کار و زندگی افتاده‌ایم. در چاپخانه ما مجده نفر کار می‌کنند. همه آن‌ها هنوز می‌آیند سر کار و ما تصمیمی برای تعدیل نیرو نگرفته‌ایم. اما سه روز در هفته، یعنی شنبه و دوشنبه و چهارشنبه، به خاطر قطعی برق، دو ساعت بیکار می‌مانند. به طور متوسط، فکر می‌کنم، با هر قطعی برق، علاوه بر خسارات احتمالی مانند سوختن برد دستگاه‌ها یا آسیب رسیدن به آن‌ها یا پررتی کاغذ، حدود ۵ میلیون تومان خسارت و ضرر به ما تحمیل می‌شود. این قطعی‌ها، همچنین، سبب ترافیک کاری و بدقولی‌هایی در تحویل کار به مشتری شده است.

مهدی مختاری، افسندگی چاپخانه «امید»:

فقط صاحبکار خسارت می‌دهد

من ۲۳ سال است پای دستگاه افست ایستاده‌ام. قطعی برق فیوز یا بردهای دستگاه را می‌سوزاند و، علاوه بر این، کل سیستم رنگ را به هم می‌ریزد. تا وقتی بخواییم دستگاه را به حالت اولیه برگردانیم، ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ برگ اختلاف رنگ داریم که یک جورهایی باطله است، و این فقط با یک نوسان برق اتفاق می‌افتد. قطعی و نوسان برق شوک بدی به دستگاه‌ها می‌دهد و سوختن برد‌ها هزینه سنگینی دارد. بارها اتفاق افتاده که برد‌های دستگاه‌ها سوخته است. وقتی دستگاه روی دور ۱۰ هزار کار می‌کند و برق به یک باره قطع شود، زمان دستگاه به هم می‌ریزد. برگشتن به حالت اولیه خودش معضل بزرگی است. علاوه بر این، سبب تأخیر در کار و بدقولی در تحویل سفارش هم می‌شود. مهندس برقی که باید برای تعمیر بیاید هر

نشست خبری جایزه ادبی داستان کوتاه «هشت» برگزار شد

داستان، شروع جریان جشنواره جهانی «هشت»

رتبه دوم: دیپلم افتخار، تندیس جشنواره و نیم‌سکه بهار آزادی

رتبه سوم: دیپلم افتخار، تندیس جشنواره و ربع‌سکه بهار آزادی

جایزه بهترین شخصیت پردازی

دیپلم افتخار و جایزه نقدی به مبلغ ۱۰ میلیون تومان

جایزه بهترین ایده پردازی

دیپلم افتخار و جایزه نقدی به مبلغ ۱۰ میلیون تومان

جایزه بهترین طرح داستانی

دیپلم افتخار و جایزه نقدی به مبلغ ۱۰ میلیون تومان

جایزه ویژه قلم جوان (شرکت‌کنندگان تا ۲۵ سال)

رتبه اول: دیپلم افتخار، تندیس جشنواره و نیم‌سکه بهار آزادی

رتبه دوم: دیپلم افتخار، تندیس جشنواره و ربع‌سکه بهار آزادی

برگزاری کارگاه تخصصی با استادان برجسته کشوری برای ۱۵ نفر برتر

علاقه‌مندان، برای آشنایی بیشتر با این جشنواره، مقررات شرکت در آن و ارسال آثار، می‌توانند به وبگاه آن به نشانی net.festival8 مراجعه کنند.

برای همین، جایزه «هشت» رسالت عمده‌اش در این حوزه است. در این دوره هم این جایزه ادبی هشت موضوع دارد که پیرامون انسان، کرامت انسانی، خانواده و هرآنچه مرتبط با رابطه انسان و جامعه است می‌گردد و ذیل سخنان حضرت رضا^ع تعریف می‌شود.

● محور‌ها و موضوع‌های جشنواره

این جشنواره در هشت محور برگزار می‌شود که عبارت‌اند از: انسان و خدا، سیره انسانی امام رضا^ع، انسان و انسان (دیگردوستی)، انسان و روابط اجتماعی انسان، احساس و عاطفه، انسان و روابط خانوادگی، انسان و شادی و امید، انسان و عدالت‌ورزی.

● جایزه

رتبه اول: دیپلم افتخار، تندیس جشنواره و سکه تمام بهار آزادی

ادبی و داستان است. به دلیل اهمیت داستان و روایت در جهان امروز به عنوان یک امر مبنایی و پایه، روایت ساختار بسیاری از هنرهاست و ماتر قریا جایی را نداردیم که روایت در آن تأثیرگذار نباشد. با جایزه داستان «هشت» شروع کردیم، اما در آینده تمام جشنواره‌های مؤسسه متمرکز می‌شود در نامی به نام 'جایزه جهانی هشت'. البته جایزه در حوزه‌هایی جهانی خواهد بود و در حوزه‌هایی مانند همین جایزه ادبی، به دلیل زبان فارسی، در گستره فارسی‌زبانان برگزار می‌شود.

او ادامه داد: «جایزه 'هشت'، علاوه بر نام مبارک، سیره و مسائل تاریخی پیرامون حضرت رضا^ع و حرم مطهر، می‌خواهد یک رسالت بزرگ و عمده دیگر را پیگیری کند. آن هم اینکه ما در جایزه 'هشت' بنا داریم به نشر روایات و مضامین سخنان حضرت رضا^ع در قالب‌های مختلف هنری بپردازیم. به همین دلیل است که در هر دوره از جایزه 'هشت' هشت موضوع عنوان می‌شود. یکی- دو موضوع به حضرت رضا^ع، تاریخ و سیره مربوط است و مابقی از دل روایات حضرت رضا^ع برگرفته شده و پیرامون آن‌ها آثار هنری خلق می‌شود. زیباترین زبان که می‌تواند زیبایی سخن حضرت رضا^ع را به جامعه منتقل کند زبان هنر است. از داستان تاسینما و ناثر و هنرهای تجسمی.

مراسم رونمایی از فراخوان، پوستر و سایت رسمی جایزه داستان کوتاه برگزار شد.

مدیرعامل مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی و رئیس شورای سیاست‌گذاری جایزه ادبی «هشت» در این نشست گفت: «مؤسسه آفرینش‌های هنری، در سابقه و پیشینه خودش و در دوره‌های مختلف، جشنواره‌ها و جایزه‌های مختلفی در عرصه‌های متعدد داشته است. از سال‌ها برگزاری دوسالانه تذهیب‌های قرآنی تا تصویرگری 'نیایش'، تا جشنواره مستند 'بهشت' تا جشنواره عکس 'خانه دوست'. در یکی- دو سال اخیر به دلیل تمرکز و جریان‌سازی‌ای که در مؤسسه و ذیل جریان بزرگ مکتب هنر رضوی رخ داد، به این سمت رفتم که جایزه‌ای واحد و جهانی داشته باشیم. امروز آغاز به کار جایزه ادبی داستان کوتاه 'هشت' است» و شروع یک جریان در مؤسسه آفرینش‌های هنری با عنوان نماد هنری آستان مقدس حضرت رضا^ع.

امیرمهدی حکیمی افزود: «به امید خدا، جشنواره‌های مؤسسه خلاصه می‌شود در یک نام: 'جایزه هشت'. شروع جشنواره با جشنواره

خادم

گزارش خبری